



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۴ اسفند ۱۳۹۰

موضوع کلی: اشتراک احکام بین عاجزین و قادرین

مصادف با: ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۳۳

موضوع جزئی: مبنای نظریه امام(ره)

جلسه: ۷۷

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در اشتراک احکام بین عاجز و قادر بود، عرض کردیم دو قول در این مسئله وجود دارد؛ یکی قول به اختصاص احکام به قادرین و دیگری قول به اشتراک احکام بین عاجزین و قادرین. مبنای نظریه اختصاص را در جلسه گذشته ذکر کردیم و گفتیم قبل از اینکه به ذکر ادله این دو قول بپردازیم لازم است مبنای این دو نظریه معلوم شود که اساساً چرا مشهور قریب به اتفاق فقهاء قائل به اختصاص تکالیف به قادرین شده‌اند و به عبارت دیگر قدرت را شرط تکلیف دانسته‌اند؟ و چرا امام(ره) در مقابل مشهور قائل به اشتراک احکام بین عاجز و قادر شده‌اند، مبنای نظریه مشهور را در جلسه گذشته عرض کردیم و امروز به مبنای نظریه امام(ره) اشاره می‌کنیم و بعد از ذکر آن به ادله این دو قول خواهیم پرداخت.

### مبنای نظریه امام(ره):

ریشه نظریه امام(ره) در اشتراک احکام بین عاجزین و قادرین به مسئله خطابات قانونیه برمی‌گردد که سال گذشته ما به طور مفصل این نظریه را تشریح کردیم و امروز هم اجمالاً به آن اشاره می‌کنیم. این نظریه از مبدعات و ابتکارات امام(ره) محسوب می‌شود و ما هم این نظریه را پذیرفتیم، اشکالات متعددی به این نظریه وارد شده که ما در مباحث مطرح شده در سال گذشته آنها را مورد رسیدگی قرار دادیم.

به نظر امام(ره) خطابات بر دو قسم هستند: خطابات شخصیه و خطابات کلیه، بین این دو خطاب، فرقی وجود دارد که به نظر ایشان عدم توجه به این تفاوت‌ها موجب خلط و اشتباه شده است.

ایشان به دو نمونه اشاره می‌کنند که در آنها خلط شده است:

**الف)** مورد اول خروج بعضی از افراد از محل ابتلاء است. علماء اصول می‌گویند اگر بعضی از افراد از محل ابتلاء خارج شوند علم اجمالی منجز نخواهد شد، فرض کنید کسی دو لباس دارد و یقین به نجاست یکی و طهارت دیگری دارد اما معلوم نیست کدام نجس و کدام پاک است. حال اگر یکی از این دو مشتبه در شرائطی قرار گیرد که از محل ابتلاء و دسترس مکلف خارج شود علم او به نجاست یکی از دو لباس در حق او منجز نیست، فرض کنید کسی این دو لباس را به همراه خودش به مسافرت ببرد و یکی از این دو لباس را جا می‌گذارد و برمی‌گردد، تا زمانی که هر دو لباس در دسترس او بود هر دو محل ابتلاء بودند و علم اجمالی به نجاست یکی از آن دو لباس اجتناب از هر دو را برای او قطعی می‌کرد که در

این صورت علماء اصول می‌گویند علم اجمالی منجز است. اما اگر یکی از این دو لباس را در مسافرت جا بگذارد، از محل ابتلاء او خارج می‌شود که در این صورت اجتناب از آن معنا ندارد و علماء می‌گویند علم اجمالی منجز نیست و نسبت به لباسی که در اختیار دارد اصل برائت جاری می‌کند و از آن استفاده می‌کند. امام(ره) می‌فرماید: علت این توهم در بین اصولیین این است که آن‌ها غفلت کرده‌اند و توجه خطاب به طرف خارج از محل ابتلاء مستهجن است. اگر دو لباس داشته باشد که یکی از آن دو نجس و دیگری پاک باشد ولی معلوم نباشد کدام نجس است گویا اینجا به واسطه علم اجمالی دو خطاب «اجتناب عن هذا» داریم، وقتی علم اجمالی داریم وظیفه ما احتیاط است و احتیاط به معنی وجوب اجتناب از هر دو لباس است، پس گویا دو خطاب وجود دارد که هر کدام متوجه به یکی از دو لباس شده است لذا باید از هر دو اجتناب شود، تا مادامی که هر دو محل ابتلاء هستند توجه خطاب به هر دو لباس اشکال ندارد؛ چون امکان دسترسی به هر دو لباس وجود دارد لذا نهی مستهجن نیست ولی اگر یکی از دو لباس از محل ابتلاء خارج شد توجه خطاب به لباسی که از محل ابتلاء خارج شده قبیح و مستهجن است؛ چون اصلاً امکان ارتکاب آن مصداق نیست تا بخواهند او را نهی کنند. پس وجه عدم تنجز علم اجمالی در فرض خروج یک طرف از محل ابتلاء این است که امکان ارتکاب آن طرف وجود ندارد و لذا اساساً نهی از آن معنی ندارد بنابراین علماء اصولی می‌گویند علم اجمالی در فرض خروج یکی از دو طرف از محل ابتلاء منجز نیست.

**ب)** مورد دیگری که در آن خلط صورت گرفته این است که علماء اصول توهم کرده‌اند که خطاب به عاجز و ساهی و غافل معقول نیست؛ چون خطاب برای این است که مکلفین منبعث شوند و از آنجا که انبعاث عاجز و غافل و ساهی معقول نیست لذا توجه خطاب به آنها لغو است، کسی که غفلت دارد و کسی که عاجز است؛ یعنی کسی که اساساً نمی‌تواند کاری را انجام دهد از توجه خطاب منبعث نمی‌شوند لذا توجه خطاب به عاجز، غافل، ساهی و امثال اینها معنی ندارد.

پس این دو مورد از مواردی است که به نظر امام(ره) خلط شده و موجب اشتباه در ذهن اصولیین شده است، امام(ره) بعد از ذکر این دو نمونه می‌فرماید: ریشه این خلط در این دو موضع عدم توجه به فرق خطابات شخصیه و خطابات کلیه و قانونیه است، بعد فرق بین این دو نوع خطاب را بیان می‌کنند.

### **فرق خطابات شخصیه و کلیه**

#### **فرق اول:**

به نظر امام(ره) آنچه در خطابات شخصیه وجود دارد عناوین جزئی و شخصی است؛ یعنی عنوان عام و کلی وجود ندارد لکن خطابات قانونیه متوجه به عناوین کلی و عام همچون ناس، انسان، مؤمنین و امثال اینها است، خطابات کلیه و قانونیه متوجه به همه مردم است و هیچ کس در این خطابات استثناء نشده است ولی در خطابات شخصیه مخاطب، افراد و اشخاص هستند. لذا باید خطاب به گونه‌ای باشد که امکان انبعاث در مخاطب وجود داشته باشد، اگر فرض کنیم در یک خطاب شخصی؛ مثلاً اشخاصی که در یک مکان خاصی اجتماع دارند خطاب، بخصوص متوجه همان افراد و اشخاص

بشود باید همه آن اشخاص توانایی انجام آن کار را داشته باشند اما اگر امکان انجام آن کار را نداشته باشند، توجه خطاب به آنها قبیح است و کسی که امکان انجام عملی را ندارد معنی ندارد که به آن عمل امر یا از آن نهی شود.

#### فرق دوم:

در خطابات شخصی طرف خطاب باید از محل ابتلاء شخص مخاطب خارج نباشد؛ چون وقتی عملی از محل ابتلاء مخاطب خارج بود امکان اتیان به آن عمل وجود ندارد لذا توجه خطاب به آن عمل قبیح و مستهجن است. پس در خطابات شخصی، همه افراد و اشخاص باید امکان انبعاث داشته باشند تا توجه خطاب به آنها صحیح باشد، بر این اساس خروج از محل ابتلاء باعث عدم تنجیز علم اجمالی در مورد خطابات شخصی می‌شود و همچنین خطاب متوجه شخص عاجز هم نمی‌شود؛ چون امکان انبعاث درباره او وجود ندارد. پس خطابات شخصی متوجه به افراد خاص است و برای اینکه توجه خطاب به آن افراد مستهجن نباشد باید آن افراد امکان انجام آن عمل را داشته باشند و عمل مورد نظر از محل ابتلاء آنها خارج نباشد.

اما در خطابات قانونیه، مخاطب یک عنوان عام و کلی مثل «أیها الناس»، «یا أیها الذین آمنوا» و امثال اینهاست؛ یعنی خطاب به عموم مردم و جامعه تعلق گرفته؛ چون عنوان عام و کلی موضوع خطاب است و خطاب به همه تعلق گرفته و آنچه که ملاک است امکان انبعاث اکثر جامعه یا امکان انبعاث بخشی از جامعه هم برای توجه خطاب به آنها کفایت می‌کند و مخاطب تک تک افراد نیستند که لازم باشد همه آنها امکان انبعاث داشته باشند. فرض کنید مردم شهر قم مخاطب به یک خطابی قرار گیرند این خطاب وقتی از قبح خارج می‌شود که تعداد قابل توجهی از مردم قم توانایی انجام آن کار را داشته باشند و لازم نیست تک تک افراد جامعه توانایی انجام آن کار را داشته باشند؛ چون امکان انبعاث همان مقدار قابل توجه کافی است، اگر فرض کنید عده‌ای قلیل از مردم قم توانایی عمل به آن دستور را نداشته باشند در این صورت هیچ قبح و استهجانی پیش نمی‌آید. بر این اساس خطابات قانونیه متوجه اشخاص عاجز هم می‌شود؛ چون ملاک در توجه خطاب عموم مردم هستند؛ یعنی توانایی و قدرت عامه مردم ملاک است و عدم توانایی یک عده مانع توجه خطاب به آنها نیست، تنها چیزی که اینجا وجود دارد این است که عجز، عذر محسوب می‌شود و عجز و ناتوانی مانع توجه خطاب نیست بلکه مانع توجه عقاب است و فرق است بین این که گفته شود تکلیف متوجه شخص نشده یا گفته شود تکلیف متوجه شخص شده ولی مخالفت با آن بخاطر عجز موجب عقاب نیست. پس قبح تکلیف عاجز و توجه خطاب به غیر قادر در خطابات شخصی صحیح است اما در خطابات قانونیه توجه تکلیف و خطاب به عاجز هیچ قبح و استهجانی را در پی ندارد و اکثر خطابات هم که در شریعت وارد شده از قسم دوم؛ یعنی خطابات قانونیه است.



قانونیه به عاجزین هم تعلق می‌گیرد. در خطابات شخصییه وقتی یک طرف از محل ابتلاء خارج شد امکان اتیان آن نیست لذا توجه خطاب مستهجن و قبیح است ولی در خطابات قانونیه توجه خطاب مستهجن نیست.

پس خطابات قانونیه شامل همه مکلفین است و خطاب به عامه مردم متوجه بوده و کسی از دائره خطاب خارج نمی‌شود. امام(ره) شاهدهی برای عام بودن خطابات قانونیه نقل می‌کنند که طبق نظر محققین خطابات و تکالیف شرعیه شامل کفار و عصات هم می‌شود، اگر خطابات شرعیه شامل کفار و کسانی که قطعاً با دستورات خداوند تبارک و تعالی مخالفت می‌کنند بشود پس مانعی از توجه خطاب به غافلین و عاجزین هم نیست.

آنچه ذکر شد خلاصه‌ای از نظریه امام(ره) بود که طبق نظر ایشان اصلاً انحلال خطاب معنا ندارد و خطاب به عنوانی کلی تعلق گرفته که شامل همه مکلفین اعم از عاجزین و قادرین می‌شود.

ما در بحث از خطابات قانونیه که سال گذشته آن را مورد رسیدگی قرار دادیم، از مجموع کلمات امام(ره) هفت دلیل برای اثبات این نظریه ذکر کردیم و همچنین به بعضی از آثار این نظریه در فقه و اصول اشاره کردیم و گفتیم این نظریه هم در فقه و هم در اصول آثاری دارد، یکی از آثار نظریه خطابات قانونیه در بحث اشتراک احکام بین کفار و مسلمین بود که به مناسبت در بحث‌های گذشته به آن اشاره کردیم. بهر حال طبق مبنای امام(ره) بین قادر و عاجز در توجه خطاب فرقی نیست و همان گونه که احکام و خطابات شرعیه شامل قادرین می‌شود، عاجزین را هم در برمی‌گیرد. لذا امام(ره) قائل به اشتراک احکام بین عاجزین و قادرین هستند. پس مبنای نظریه امام(ره) در مسئله اشتراک احکام بین عاجزین و قادرین مسئله خطابات قانونیه است.

**بحث جلسه آینده:** در جلسه آینده ادله را ذکر خواهیم کرد تا معلوم گردد ادله نظر مشهور را اثبات می‌کند یا نظر امام(ره) را؟

«والحمد لله رب العالمین»